

## نگاهی به مقاتل حسین بن علی (ع) و ترکیب بند محتشم کاشانی

فریدون کوره ئی<sup>۱</sup>

دکتر عباس ماهیار<sup>۲</sup>

### چکیده

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است توجه ویژه‌ی شاهان صفوی و افراط در شیعه‌گری و عدم توجه به شعر مدحی، شعر آیینی، خصوصاً شعر عاشورایی رشد فراوانی یافت و شاعران فراوانی در این عرصه پای نهادند و قالب "ترکیب بند" که از گذشته مضمون رثا را در درون خود پرورده است با شاهکار محتشم کاشانی به اوج خود رسید. و شاعران فراوانی از او تأثیر پذیرفتند و با توجه به اشراف محتشم به مقاتل عاشورایی، تلمیحات و اشارات را با زیبایی‌ها و جلوه‌های ادبی در آمیخت به گونه‌ای که بعد از گذشت چهار سده ترکیب بند او سرلوحه‌ی دفتر مراثی ادب پارسی است.

واژه‌های کلیدی: محتشم، مقتول، بازتاب، رثا، ترکیب بند

۱ - دانش آموخته‌ی دوره‌ی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲ - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

## مقدمه

برای پیراستن اندیشه‌ی شیعه از نگرش‌های نادرست و ارائه‌ی روش صحیح تحقیق برآن شدیم تا با شناسایی مقاتل و مأخذ مربوط به واقعه‌ی عاشورا به بررسی منابع اولیه‌ی مربوط به آن بپردازیم و با توجه به این باور که دسته‌ای از خطاهای انحرافات در خصوص عاشورا از آن جهت است که هنوز پایه و اساس بسیاری از منابع بر عاشورا پژوهان معلوم نیست.

در این مقاله سعی براین است که با معرفی پیشینه‌ی مقتل نگاری در زبان عربی و فارسی و ذکر منابع مورد استفاده‌ی مقتل نگاران، راهی را در پیش محققان این وادی قرار دهیم و تأثیر آنها را در آثار شاعران به ویژه «ترکیب بند مشهور» خداوندگار مرثیه، محتمم کاشانی مورد بررسی قرار دهیم. با توجه واقبال شاهان صفوی به سروden اشعار در مدح و منقبت امامان و دولت شیعی حاکم، این زمینه برای محتمم فراهم شد تا در این عرصه پا گذارد و جاودانه ترین سوگ چامه‌ی تاریخ نظم هزار ساله‌ی پارسی را به یادگار گذارد. آمیختگی اندیشه‌ی والای او با زبان و بیانی ساده و در عین حال توانا با داشتن ذوق لطیف که سرشار از احساسات شدید مذهبی بود ارادات و دلباختگی خود را به خاندان پیامبر (علیهم السلام) با سروden ترکیب بند خود نشان داده است و هنر محتمم در این است که در کمال استواری و جزالت و به دور از تکلف و پیچیدگی چنان به زبان کوچه و بازار نزدیک می‌شود که گویی «سخن از زبانشان می‌گوید» و همین همزبانی باعث شده است بعد از گذشت چهار سده هنوز سوگ سروده اش را زیر لب تکرار کنند.

مقتل و سیر مقتل نگاری

در کتب لغت، معانی مختلفی برای مقتل ذکر کرده اند:

الف) محا، قتا، جای کشتن، کشتارگاه، قتلگاه

ب) جایی، از یکن انسان یا حیوان که هر گاه ضریب تی بدان وارد شود، کشته گردد.

مانند شققه.

ج) کتابی که دربارهٔ واقعهٔ کربلا تألیف شده است. ج مقاتل (دهخدا، ۱۳۷۷) البته موضوع بعضی از مقاتل ربطی به حادثهٔ عاشورا ندارد و این امر نشان می‌دهد که در عرف مقتل نگاری به هر گزارش مکتوبی که حاوی مطالبی پیرامون قتل و یا شهادت یکی از شخصیت‌های مطرح در تاریخ اسلام باشد، مقتل می‌توان گفت. در کتاب «الذريعة» به چهارده مقتل اشاره شده است که در مورد شهادت امیرالمؤمنین (ع) نگارش یافته است. (آقا تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۹-۳۱) یا موضوعاتی که مورد توجه نویسنده بوده است برای نمونه «مقتل اولاد مسلم» از شیخ حسین عصفوری، «مقتل حجر بن عدی» از ابی مخنف، «مقتل الحسن بن علی (ع)» از ابی مخنف، «مقتل رشید و میثم و جوبریه بن مسهر» از هشام کلبی و «مقتل زید الشهید و تواریخه» از محمد علی هبة الدین شهرستانی که به زبان عربی اند و «مقتل السادات» از ابی القلم المولوی صغیر حسن ملقب به شمس الہندی در دو جزء به زبان اردو (همان: ۳۱-۳۵) و... و آنچه که در زبان و ادب فارسی از مقتل به ذهن متبار می‌شود ارتباط کامل با وقایع عاشورا دارد.

پیشینه‌ی مقتل نگاری در زبان عربی و فارسی:

١-١ مقتا، ابو القاسم اصیغ ین، نباته مجاشعی، تیمی، حنظلی:

مرحوم شیخ آقای زرگ تهرانی این صحابه‌ی امیر المؤمنین را اولین مقتلاً نگاریاد

می‌کند و درباره‌ی او می‌نویسد: «أَقُولُ وَ الظَّاهِرُ أَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ كَتَبَ مَقْتَلَ الْحُسَينِ وَ كِتَابَ اسْبَقَ كِتَابَ الْمُقَاتَلِ» (همان: ۲۳ و ۲۴)

برخی محققان «ابومخفف لوط بن یحیی ازدی غامدی» را نخستین مقتل نگار می‌دانند که هم عصر امام جعفر صادق بوده است.

بسیاری از محققان، مؤلف «روضات الجنات» روضة الشهداء ملاحسین واعظ کاشفی (متوفای ۹۱۰ هـ) را اولین مقتل فارسی معرفی کرده اند (موسی خوانساری، ۱۳۴۹: ۲۳۰). ولی بطلان این نظر بر کسی پوشیده نیست. زیرا در طول تاریخ در متون منتشر به بررسی وقایع عاشورا پرداخته اند و اشاره‌ای گذرا به این آثار داریم:

۲-۲- ترجمه‌ی تاریخ طبری: که در سال ۳۵۶ به امیر صالح منصور بن نوح سامانی، که بر زبان ابی الحسن الفایق الخاصه پیغام فرستاد سوی ابوعلی محمد بن محمد البلعمی الوزیر، که آن را به فارسی دری برگردانید، این کتاب هم در نهایت فصاحت و سادگی است.

۲-۳- ترجمه‌ی «الفتوح» ابن اعثم (م ۳۱۴ هـ): از محمدبن احمد مستوفی هروی، محقق سده‌ی ششم هجری، که از آن به نام‌های: «فتوات الشام» و «تاریخ فتوح» نیز یاد کرده اند (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸ و ۱۵۹)

۲-۴- مقتل الشهداء: تأليف شاعری با تخلص «عاصی» به زبان فارسی با تاریخ کتابت ۸۸۷ هـ. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی درباره‌ی این مقتل فارسی می‌نویسد: فیظهر آنکه مقدم علی «روضه الشهداء» للكاشفی المتوفی سنّة ۹۱۰ هـ (تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۳)

۲-۵- مقتل الشهداء: تأليف (المفاخر رازی) به زبان فارسی که بارها مورد استفاده ملاحسین واعظ کاشفی قرار گرفته و در روضه الشهداء از آن یاد شده است. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی درباره‌ی این مقتل می‌نویسد: «ینقل عنه فی روضة الشهداء كثیراً

لاسيما من منظوماته منها نظم رجز قاسم بن الحسن (ع) ومنها نظم قول اهل الكوفة في كتبهم الى الحسين (ع)». (همان)

٦- مقتل نور الانمّة: تأليف ابوالمؤيد خوارزمی که ملاحیین واعظ کاشفی در تأليف روضه الشهدا از مطالب آن سود جسته است.

قابل ذکر است که این پنج اثر منتشر از لحاظ قدمت زمانی بر روضه الشهداء پیش تر هستند.

## منابع مورد استفاده مقتل نگاران:

الف) اخبار غيبة عاشورا.

ب) مجموعه‌ی نامه‌ها و سخنان و خطبه‌های امام حسین (ع) از آغاز حرکت تا شهادت.

ج) سخنان و رجزهای عاشورایی اصحاب و یاران فداکار امام حسین (ع).

د) سخنان و خطبه های امام زین العابدین و حضرت زینب و اهل بیت امام حسین علیهم السلام - در جریان سفر به کوفه و شام و مدینه.

ه) روایات منقول از امامان معصوم علیهم السلام دربارهٔ شهادت امام حسین (ع).

و) مطالب منقول از همراهان امام که به فیض شهادت نایل نیامده اند.

ز) مطالب منقول از مخالفان امام حسین (ع).

ح) مشاهدات افراد بی طرف.

که به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت:

الف) اخبار غیبی عاشورا: که مبنی بر احادیثی که پیش از وقوع حادثه‌ی عاشورا از رسول گرامی اسلام (ص)، امیرالمؤمنین علی (ع)، سلمان فارسی و دیگران روایت شده است که به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم (مجاهدی، ۱۳۸۶: ۲۰-۳۴).

۲۸۲

ب) مجموعه نامه‌ها، سخنان و خطبه‌های امام حسین (ع) از آغاز حرکت تا شهادت:

مهمنترین منبعی که می‌تواند اهداف نهضت شگرف عاشورا را مشخص نماید مجموعه‌ی نامه‌ها، سخنان و خطبه‌های امام حسین (ع) از آغاز شکل گیری این رخداد بی‌نظیر تاریخی تا لحظه‌ی شهادت آن حضرت است. در اینجا برای تیمّن و تبرّک به نامه‌ها و سخنان کوتاهی از امام حسین استناد می‌کنیم که انتساب آن به امام (ع) مشهور است و حاوی خطوط اصلی و اساسی قیام ماندگار امام حسین (ع) است: به درستی که من مرگ (در راه خدا) را جز سعادت و زندگانی با ستمگران را جز هلاکت و نابودی نمی‌دانم. (طبری، ۱۳۶۲: ۳۰۵) و (سیدطاووس، ۱۳۸۹: ۴۲)

آگاه باشید که زنازاده‌ی فرزند زنازاده (= عبیدالله بن زیاد) مرا در میان (انتخاب) مرگ و تسليم (ذلت بار) مخیّر ساخته ولی ذلت از ما (خاندان پیامبر) فاصله دارد، ذلتی که خداوند، ما و پیامبر خود و مؤمنان را از پذیرش آن بازداشت و به دور نگاه داشته است. امکان ندارد که مردان آزاده و غیرتمدن تسليم شدن در برابر ستمگران را بر مرگ شرافتمدانه ترجیح دهند. (طبری، ۱۳۶۲: ۳۲۳)

امام حسین (ع) در نامه‌ای به مردم بصره نوشته اند: (من در تشکیل حکومت اسلامی) شما را به کتاب خدا و سنت رسول او فرا می‌خوانم. (همان: ۲۶۶) امام حسین در نامه‌ی دیگری خطاب به مردم کوفه چهار شرط اساسی زمامداری مسلمین را یادآور می‌شوند: به جان خودم سوگند فقط کسی شایسته‌ی امامت و زمامداری (مسلمانان) است که به قرآن عمل کند و عدالت را مینا و اساس کار (خود) قرار دهد و حق را گسترش دهد و خود را وقف (خدمت در راه) خدا سازد. (همان: ۲۶۲) امام حسین پس از شهادت اصحاب و یاران و فادر خود، سپاه دشمن را به پیکار طلبید و هرکس که در برابر او قرار می‌گرفت از دم شمشیر می‌گذرانید تا جایی که

تعداد بی شماری از سپاهیان دشمن را از میان برداشت و در گرم کارزار این رجز حماسی را زمزمه می کرد: کشته شدن (در راه خدا) بهتر است زیر بار ننگ و مذلت رفتن و ننگ و مذلت (ظاهری) بهتر از ورود در آتش جهنم است. (عقیقی

(بخشایشی، ۱۳۷۸: ۱۳۶ و ۱۳۹)

القتلُ أَولىٰ مِنْ دُخُولِ النَّارِ  
والعارُ أَوْلَىٰ مِنِ رُّكُوبِ الْعَارِ

از جمله شعارهای کوبنده‌ی امام حسین (ع) که بیانگر فلسفه‌ی قیام کربلا و اهداف این نهضت شگرف تاریخی است؛ (ای مردم مسلمان!) مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و کسی از باطل روی گردان نیست؟ (در چنین شرایطی جا دارد که) انسان مؤمن لقای پروردگار خویش را بر چنین زندگی (نکبت بار) ترجیح دهد.

(مطهری، ۱۳۷۷: ۱۸۶)

امام حسین (ع) در وصیت نامه خود، خطاب به برادرش محمدبن حنفیه - مهمترین عوامل زیربنایی حرکت الهی خود را بیان می کند: من برای استقرار صلاح و رستگاری در امت جدّم قیام کرده ام و برآنم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره‌ی جدّم - رسول خدا - و پدرم علی بن ابی طالب (ص) رفتار نمایم. (همان: ۱۸۸)

امام حسین (ع) هنگام رویارویی با سپاهیان حرّ بن زیاد ریاحی می فرمایند: ای مردم! پیامبر گرامی اسلام فرمود: هرگاه کسی سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال می کند؛ پیمان خدا را می شکند؛ بیت المال (مسلمین) را پاس نمی دارد؛ به حدود الهی تجاوز می کند؛ و در قول و فعل، با او مخالفتی نمی کند، سزاوار آن است که خداوند در جایگاه همان سلطان ستمگرش قرار دهد؛ آگاه باشید که این قوم (= کارگزاران حکومت اموی) همین رفتار ناشایست را دارند چرا که حرام‌ها را حلال و حلال‌ها را حرام کرده اند و با برهم زدن حدود الهی، مال خدا را برای خود برگرفته اند. (فرحی، ۱۳۷۵: ۳۹۳)

ج) سخنان و رجزهای عاشورایی اصحاب و یاران فداکار امام حسین (ع):

سخنان و رجزهای عاشورایی را می‌توان در تبیین اهداف قیام شگرف کربلا و مبانی زیربنایی و شناخت مفاهیم ارزش آن استفاده کرد و مراتب جانبازی عاشوراییان را از صحنه‌ی عاشورا به تصویر کشید که برای تیمن و تبرک فقط به رجز حمامی و شورآفرین کربلا، که در حنجره‌ی علمدار کربلا به هنگام رویارویی با سپاهیان دشمن به گل نشست و باورهای عمیق را به تصویر کشید اشاره می‌کنیم:

إِنَّ أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي  
وَاللَّهُ أَنْ قَطَعْتُمَا يَمِينِي

د) سخنان و خطبه‌های امام زین العابدین و حضرت زینب و اهل بیت امام حسین علیهم السلام - در جریان سفر به کوفه و شام و مدینه:

هـ) روایات منقول از امامان معصوم علیهم السلام درباره‌ی شهادت امام حسین

(ع):

امام محمد باقر (ع) فرموده اند: بعد از شهادت یحیی بن زکریا (ص) آسمان در شهادت کسی نگریست مگر در شهادت امام حسین (ع) که به مدت چهل روز برای مصیبت او گریه کرد! (مجلسی ۱۴۰۳: ۲۱۱/۴۵)

امام صادق (ع) فرموده اند: گریه و بی تابی در رخدادهای تلخ را برای بندگان خدا امری مکروه دانسته اند مگر در مصیبت امام حسین (ع) که امری پستنده است و پاداش آخری را در پی دارد. (همان: ۲۹۱)

از امام علی بن موسی الرضا - علیهم السلام - نقل شده است همین که محرم آغاز می‌شد دیگر آثار سرور در چهره‌ی پدرم دیده نمی‌شد و نشانه‌های اندوه سیمای او را فرامی‌گرفت و این حالت تا روز عاشورا ادامه پیدا می‌کرد، که آن روز، روز حُزن و گریه‌ی او بود و می‌فرمود در چنین روزی امام حسین (ع) کشته می‌شد.

(همان: ۲۸۴/۴۴)

از امام علی بن موسی الرضا (ع) نقل شده است که مصیبت امام حسین (ع) چشمان ما را در اثر ریزش اشک خسته و مجروح کرده است و عزیزان ما در دیار کربلا به خواری درآمده اند و مصایب آن روز - عاشورا - آنان چنان عمیق و ریشه دار است که ما را برای همیشه غمگین و داغدار کرده است. (همان)

از امام محمد تقی (ع) نقل شده است که اگر کسی در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان امام حسین (ع) را زیارت کند بیست و چهار هزار فرشته و پیامبر مرسل با او مصافحه می کنند و اینان همان گروهی هستند که از پیشگاه خداوند متعال برای زیارت حسین (ع) در چنین شبی رخصت می طلبند، شبی که امید است همان شب قدری باشد که تمامی امور براساس حکمت الهی سامان می یابد. (حرّ عاملی ۳۹۷:

(۳۷۰/۱۰)

از امام حسن عسگری (ع) روایتی منقول است که ناظر بر عظمت و حرمت مقام حسین بن علی (ع) در پیشگاه خداوندی است، و نیز از وعده‌ی شهادت او و نیز گریه‌ی اهل آسمان و زمین در شهادت آن بزرگوار پیش از تولدش خبر می دهد و ضمن آنکه پیروزی آن وجود نازنین را در ایام رجعت بازگو می کند، ادامه‌ی امامت و شفای تربت او را به عنوان پاداش قلمداد می کند که خداوند در زمرة‌ی پاداش‌های جانبازی و شهادت آن امام بزرگوار در نظر گرفته است. (مجلسی، ۹۸: ۱۴۰۳) (۳۴۷/۹۸)

جملات حزن انگیز و حسرت آلودی که به ابا صالح المهدی حجه بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - منسوب است: اگر - گردش - زمانه به تأخیرم انداخت و مقدرات - خداوندی - از یاری تو بازم داشت و نتوانستم در رکاب تو با دشمنانت بستیزم، ولی - در عوض - از صبح تا شب برای تو می نالم و به جای اشک خون می بارم. (همان: ۳۲۰)

و) مطالب منقول از همراهان امام که به فیض شهادت نایل نیامده اند:

تعدادی از اصحاب امام حسین (ع) در چند مرحله از مراحل شکل‌گیری قیام امام حسین (ع) حضور داشته‌اند و بعضی در روز عاشوراً مجرروح شده‌اند اما جان سالم بدر برده‌اند و مشاهدات خود را در مقابل آورده‌اند که بسیاری از نقاط مبهم قیام عاشورا را روشن می‌کنند. از جمله‌ی آنها می‌توان به حسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) اشاره کرد که در جریان روز عاشوراً زخم‌های متعددی خورد اما به وسیله بستگان خود از معركه‌ی جنگ رهایی یافت. افراد دیگری مانند ضحاک بن عبد الله بن قیس مشرقی و عقبه‌بن سمعان به فیض شهادت نایل نیامدند.

(سید طاووس ۱۳۸۹: ۲۶۳)

ز) مطالب منقول از مخالفان امام حسین (ع):

بسیاری از مخالفان امام حسین (ع) بعد از واقعه‌ی عاشورا به صفت «توابین» پیوستند و مشاهدات خود را نقل کرده‌اند که مورد استناد مقتل نگاران قرار گرفته است.

ح) مشاهدات افراد بیطرف:

در میان راویان حادثه‌ی کربلا به افرادی برمی‌خوریم که نه در سپاه امام حسین (ع) بوده‌اند و نه در شمار سپاه یزید. اینان مشاهدات خود را برای دیگران بازگو می‌کنند که مورد استفاده‌ی مقتل نویسان قرار گرفته است. که عبید الله بن الحرسجعفی را نمونه‌ای از این گروه می‌توان نام برد. (طبری ۱۲۶۲: ۵۲۷)

### محتمم کاشانی

خداؤندگار شعر عاشورایی «حسان العجم» مولانا سیدکمال الدین علی فرزند خواجه میراحمد کاشانی متألّص به محتمم، شاعر اوایل عهد صفوی و از معاصرین

شاه تهماسب است. وی حدود سال ۹۰۵ هـ در کاشان متولد شد و نزدیک نودویک سال در این گیتی زیست و در سال ۹۹۶ هـ در زادگاه خود چشم از جهان فرو بست. (نوایی ۱۳۸۰: ۱)

و «سعیدای قصاب کاشی» شاعر شیرین گفتار اواسط سده ی دوازدهم هجری، رباعی خود را به یاد محتشم بر قطعه سنگی نوشته و بر بالای مدخل قدیم و پنجره‌ی کنونی نصب کرده است:

این منزل پرفیض که جای الم است      بی فاتحه از درش گذشتن ستم است  
باید به ادب گذشت زین در «قَصَاب»      این جای رفیع، مدفن «محتشم» است  
شغل محتشم، شعر بافی بوده ولی خود شخصاً کارگر نبوده و معلوم می‌شود،  
مقصود از شعر بافی، ابریشم بافی که اکنون در کاشان مصطلح است.

پیش از این که شاعری حاصل نمی‌شد یک شعیر وز ضرورت کرده بودم شعر بافی را شعار (همان: ۶۵۵)

مسافرت او به شهر «اصفهان» قطعی است و به هنگام مرگ «ضمیری اصفهانی» برای شرکت در سوگ او به شهر رفته است. (سدات ناصری: ۹۵)  
محتشم را بود اسمی و مسمی در جهان تا قضا زد احتشامش نوبت اندر اصفهان ساکنم جایی که اینجا از دوام عشرت‌ش فقر بی و قرو فنا بی نام و عسرت بی نشان (همان: ۷۸۱)

شاعر در جایی دیگر به سفر ملک فارس (شهر شیراز) اشاره می‌کند.  
یعنی از خاک حریم شاه، به سوی ملک فارس زاقتضای گردش گردون می‌رویم (همان: ج/ ۱۲۵۸)

اما محتشم به علی که ایراد شد شخصاً مسافرتی به هند نکرده و قصاید و مداخی خود را همه ساله به وسیله‌ی برادرش، عبدالغنی به دربار آنجا ارسال می‌کرد و صله‌ی

خود را دریافت می‌نمود و بالآخره همان برادر قربانی این راه گردید و در یکی از اسفار هند، دنیا را وداع می‌کند و از اینکه مثل سایر شاعران برای طمع دنیاگی به هند نرفته از درگاه ممدوح خود شاه تهماسب تقاضای صله می‌کند و او را حاتم طایی خطاب می‌کند.

### آثار و احوال محتشم:

از کلیات محتشم پس از مرگ وی بنا به وصیتش به دست شاگردش میرتقی الدین محمدحسین کاشی تنظیم شده است. آن را در پنج کتاب شعر و دو کتاب آمیخته از پیوسته و پراکنده فراهم آورده که به "هفت دیوان" مشهور است که عبارتند از:  
الف) شیبیه ب) شبایه ج) صبائیه د) جلالیه ه) نُقل عشاَق: و ضروریات ز) معمیات  
(صفا، ۱۳۶۹، ج ۵/۲، ۷۹۴ - ۷۹۵)

در رساله‌ی جلالیه هم اشاراتی به مراتب عرفان محتشم شده است تا همگان او را عارفی مجدوب و شاعری مسلمان و متعهد بشناسند و هفت بند او در مدح حضرت علی (ع) و دوازده بند او در باب حضرت سیدالشهدا و مصائب کربلا سروده است او را شاعری معتقد و متدين به شمار آورده است.

### بازتاب سوگ سروده‌های خاقانی و راوندی در شعر محتشم

مرثیه سرایی در ادبیات ما پیشینه ای کهن دارد که سرایندگان تحت عنوانین "مرثیه در باب شهادت"، "مرثیه در باب عزیز از دست رفته و فرزند دلیند" و در "رثا"ی خاندان‌های حکومتی بوده است.

از سده‌ی ششم هجری قمری مراتی به صورتی گسترده‌تر در ردیف سروده‌های ماندگار و جاوید ادب فارسی قرار گرفت و از بین بزرگان سده‌ی ششم دو تن یکی

خاقانی شروانی و دیگر محمدبن علی بن سلیمان راوندی صاحب کتاب معروف "راحه الصدور" در باب مرثیه تأثیر فراوانی بر ترکیب محتشم داشته‌اند.

الف) خاقانی: وی دو قصیده در رثای شهادت امام محمد یحیی به دست غُزها سروده است که یکی از دو قصیده مدنظر ماست و آن قصیده ای به عنوان "در مرثیه‌ی امام محمدبن یحیی و حادثه‌ی حبس سنجر در فتنه‌ی غز شوال ۵۴۹" در چهل پنج بیت با مطلع

آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد وان نیل مكرمت که شنیدی سراب شد  
(نوایی، ۱۳۸۰: ۱۵۶-۱۵۸)

یا در قصیده ای که در رثای مرگ فرزندش رشیدالدین سروده است با مطلع:  
صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید ژاله‌ی صبحدم از نرگس تر بگشایید  
دانه دانه گهر اشک ببارید چنانک گره رشته‌ی تسبيح زسر بگشایید  
(همان: ۱۵۸)

ترکیب بند محتشم هم وزن قصیده ای است که خاقانی در رثای امام محمدبن یحیی سروده و در بند یازدهم ترکیب بند، محتشم آشکارا از قافیه‌ها و ردیف این قصیده‌ها استفاده کرده است.

خاقانی: بیت اول قصیده  
آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد وان نیل مكرمت که شنیدی سراب شد  
محتشم: بیت اول بند یازدهم

خاموش محتشم که دل سنگ آب شد بنیاد صبر و خانه‌ی طاقت خراب شد  
خاقانی: بیت دوم

سر و سعادت از تف خذلان زگال گشت و اکنون بر آن زگال جگرها کباب شد  
محتشم: بیت دوم و چهارم

خاموش محتشم که از این حرف سوزناک	مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد	خاقانی: بیت سوم
از سیل اشک بر سر طوفان حاده	خوناب قبه قبه به شکل حباب شد	محتشم: بیت پنجم
دریا هزار مرتبه گلگون حباب شد	دریا هزار مرتبه گلکسی کمخون گریست	خاقانی: بیت چهارم
لابل چهل قدم زیر ماهتاب شد	چل گز سرشک خون زیر خاک در گذشت	محتشم: بیت ششم
از آه سرد ماتمیان ماهتاب شد	خاموش محتشم که به سوز تو آفتاب	خاقانی: بیت دهم
نحل از کجا چرد که گیا زهر ناب شد	عاقل کجا رود که جهان دار ظلم گشت	محتشم: بیت سوم
در دیده، اشک مستمعان خون ناب شد	خاموش محتشم که از این شعر خون چکان	خاقانی: بیت سیزدهم
افلاک را لباس مصیبت بساط گشت	اجرام را وقایه‌ی ظلمت حجاب شد	محتشم: بیت هفتم
جبریل را زروی پیمبر حجاب شد	خاموش محتشم که ز ذکر غم حسین	خاقانی: بیت چهاردهم
روح الامین به تعزیت آفتاب شد	ماتم سرای گشت سپهر چهارمین	محتشم: بیت پایانی بند چهارم
تاریک شد زدیدن او چشم آفتاب	روح الامین نهاده به زانو سر حجاب	خاقانی: بیت هفدهم (که با بیت پایانی بند ششم ترکیب بند محتشم شباهت

ضمونی دارد)

دوش آن زمان که طرّه‌ی شب شانه کرد چرخ موى سپيد دهر به عنبر خضاب شد

محتشم:

پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل شوید غبار گیسویش از آب سلسیل

(همان: ۱۲۴-۱۲۹)

ب) محمدعلی بن سلیمان راوندی صاحب کتاب راحة الصدور و آیة الصدور راوندی مورخ و شاعر همشهری محتشم است که چهار سده پیش از وی ترکیب بند خویش را سروده، محتشم که از او تقلید کرده است. که گویی محتشم اطلاعی از نام سراینده نداشته یا از طریق واعظان یا نوحه خوانان در منابر و جلسات هیئت‌ها در ایام محرم بندهایی از این ترکیب بند که اشاره به واقعه‌ی کربلا دارد سینه به سینه نقل شده است.

ظاهراً قبل از ترکیب بند محتشم، ترکیب بند راوندی شهرتی خاص در بین مردم داشته است. چون این ترکیب بند از قدیمی ترین ترکیب بندها با موضوع مرثیه‌ی ابی عبدالله الحسین (ع) در ادب فارسی است که به ذکر نمونه‌هایی از این شبهات ها بسنده می‌کنیم. (راوندی، ۱۳۶۴: ۳۵۲-۳۵۵)

راوندی: بیت آغاز بند اول (هودو ترکیب بند)  
آه این چه محنت است که اندر جهان فتاد آه این چه واقع است که از ناگهان فتاد

محتشم:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است.

راوندی: بیت بیست و هفتم ترکیب بند

بر دوستانش هیچ گزند از زمین منه دشمنش را بر آتش قهرش سپند کن

محتمم: بیت پایانی بند دوم

آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد کز خوف خصم در حرم، افغان بلند شد  
محتمم در بند هشتم خود، از ردیف و قافیه‌ی بند اول راوندی و نیز در بند یازدهم  
از قافیه‌ی بند دوم راوندی در بند مذکور «کرد» است، تأثیری آشکار پذیرفته که کاملاً  
مشهود است. ضمن این که فصاحت و بلاغت ترکیب بند محتمم را نمی‌توان انکار  
کرد و همچنین فضل تقدّم راوندی را.

(نوایی، ۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۳۲)

### سوگواره سرایی در عهد صفویه

محتمم شاعر غزل سرا و مداعح خاندان صفویه که در ساختن "ماده تاریخ" استاد  
بود با مرگ برادر افسرده و ملول گردید و شروع به سروden مرثیه نمود و قدرت خود  
را در فن رثا بازیافت. محتمم چون غزلیاتی سرود برآن شد که از سروden شعر به  
نام و نانی دست یابد و برای رسیدن به این هدف چون دیگر قصیده سرایان، مدیحه  
ای مقارن جلوس شاه تهماسب به دربار او فرستاد و سلطان شریعتمدار صفوی او را  
تشویق به سرایش اشعار و مدایح مذهبی کرد. محتمم که از مرگ برادر اندوهناک بود  
در این باره نیز مرثیه‌ای سرود و رویه اشعار دینی آورد و با سروden مرثیه‌ی معروف  
به دوازده بند درباره‌ی واقعه‌ی کربلا به جایگاه والایی رسید.

تأثیر این ترکیب بند به گونه‌ای است که بعد از گذشت چهار سده هنوز کتبیه‌ی  
آن بر در و دیوار هر عزاخانه و حسینیه و تکیه‌ها و سقاخانه‌ها نقش بسته است و  
زینت بخش حجله‌ی شهدای راهیان کربلا است و معتقدان آن همواره از آن کتبیه‌ها  
تبرک می‌جویند و به جای لبان محتمم بر ایيات جانگدازش بوسه می‌زنند در واقع

عمر ادبیات رسمی شیعه همچنان در تصرف او باقی است. (تیر تهرانی، ۱۳۷۳: ۲۴) فن رثا در عصر صفویان رنگ دیگری داشت، اینان از اعقاب شیخ صفی الدین بودند که در اردبیل صاحب خانقاہی دایر و کشف و کرامتی ظاهر بود و شاه اسماعیل و فرزندانش را در تشریفات رسمی بالقب (مرشد کامل) می خواندند. ایشان که مذهبیان شیعه‌ی اثنی عشری بود، صلاح دنیای خود را در این می دیدند که در برابر قلمرو گسترده‌ی عثمانی قد علم کرده و از احساسات مذهبی مردم استفاده کنند و جهت رسیدن به این هدف لازم می دانستند که شعائر مذهب شیعه را رواج دهند تا در برابر دولت مقتصد و سنتی مذهب متعصب عثمانی عرض وجود نمایند. (رکن، ۱۳۷۱: ۲۶)

در این روزگار محتشم ترکیب بند پرشور خود را سرود و پس از آن محتشم سروده‌های پراکنده را رها کرد و اوقات خود را وقف ویراستاری این ترکیب بند نمود. رمز موفقیت این ترکیب بند محتشم در سه عامل بوده است:

الف) جنبه‌ی هنری: از نظر صنعت شعری و ادبی، الفاظ این ترکیب بند استوار، فخیم، منسجم و در کمال رسایی و شیوایی است و سخافت لفظ و پیچیدگی سبک هنری را ندارد و همانند آب زلال و گوارایی است که در جام بلورین و شفاف تقدیم به تشنۀ ای می شود.

کشتی شکست خورده‌ی طوفان کربلا در خاک و خون فتاده به میدان کربلا گرچشم روزگار براو فاش می گریست خون می گذشت از سر ایوان کربلا ب) تجسم عینی عظمت حادثه آنگونه که در خور این واقعه‌ی خونبار است. و شورش را به تمام خلق جهان نسبت داده است و این عزاداران را در میان موجوداتی برده که از چشم بشر غایبند.

۲۹۴ باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و  
چه ماتم است

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست این رستخیز عام که نامش محروم است  
جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند گویا عزای اشرف اولاد آدم است و...  
) تحت تأثیر قراردادن عواطف و احساسات رقیق در شنونده که مهمترین هدف  
رثاء است. محتشم با رعایت متانت و میانه روی و در نظر داشتن کلیت قضیه به انجام  
رسانده و ترکیب بندش چون گوهری است که تراش خوش یافته و جلوه گر مضامین  
مختلفی است.

از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمنانی کربلا  
اهل حرم دریده گریبان گشاده موى فریاد برد حرم کبریا زدند و...  
(همان: ۲۵-۲۶)

### ترکیب بند محتشم و صاحب نظران:

۱- علامه بحرالعلوم: اقبال کار محتشم چنان بود که حتی شخصیتی نظیر علامه بحرالعلوم را به استقبال از او به زبان عربی واداشت که سطح نخستین بند ترکیب بند علامه چنین است: (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۸)

الله اکبر ما ذالحادث الجَلَلُ      فَقَدْ تَزَلَّلَ سَهْلُ الارضِ وَ الجَبَلُ  
شگفتا این چه حادثه‌ی بزرگی است که کوه و صحراء از آن به جنبش درآمده است.

۲- شیخ آقاپرگ تهرانی، صاحب «الذریعه الى تصانیف الشیعه»:  
قابل ذکر است که این ترکیب بند در یازده گره و دوازده بیت در هر بند پرداخته شده و «میرزا ابوالقاسم و فای شیرازی» بند آخر را به آن افزوده است و شیخ آقاپرگ تهرانی در این مورد معتقد است که علامه به خاطر غیبت امام عصر (عج) بند آخر را

به پایان نبرده است. (تهرانی ۱۴۰۳: ۸۵/۲۵)

۳- شیخ عباس قمی: صاحب کتاب های مشهور مفاتیح الجنان و متنهی الامال: محتشم شاعر صاحب مراثی معروفه که در جمیع تکایا و مجالس ماتم ابا عبدالله الحسین (ع) بر در و دیوار آن نصب شده است و گویا از حزن و اندوه آن اشعار نگاشته شده یا از خاک کربلا سرشه شده است. این اشعار مثل مصیبت حضرت ابا عبدالله (ع) به هیچ وجه مندرس نمی شود و این عظمت، بزرگی مرتب و کثرت معرفت محتشم را هویدا می سازد. (محدث قمی، ۱۳۶۳: ۲۵۲)

۴- علی موسوی گرمارودی): در مقدمه کتاب «چراغ صاعقه» پس از بازشماری مرثیه سرايان و ذکر شأن آنان می گوید: اگر بخواهیم از میان تمام این سخنوران یک نفر را در میان مرثیه سرايان انتخاب کنیم، آن یک نفر محتشم کاشانی است. (انسانی، ۲۱: ۱۳۸۲)

۵- دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات ایران درباره محتشم می گوید: «قصیده ها و ترکیب ها و ترجیع های فراوانی در تمام سده های دهم تا دوازدهم در این راه ساخته و پرداخته گردید و تقریباً تمام شاعران نام آور عصر در این طبع آزمایی شرکت داشته اند، اما اهمیت کار محتشم در آن است که ساختن مراثی اهل بیت را، که البته سابقه ای طولانی پیش از او داشت رواجی تازه بخشید. چنان که از میان مرثیه های شهیدان کربلا شانی دیگر و شرف قبولی بالاتر یافت و اگرچه چند تن از شاعران بعد از او کوشیدند که نظیر آن را بیاورند، لیکن هنوز ترکیب بند محتشم بهترین و مؤثرترین آنها شناخته می شود. (صفا، ۱۳۷۱ ج ۵/۱: ۶۲۴)

۶- میرزا عبدالرزاق خوافی در "بهارستان سخن" آورده است: «مرثیه‌ی سیدالشہدا خامس آل عبا که مولانا (محتشم) در سلک نظم آورده، گوشواره‌ی گوش سخنوران است و بر مرثیه‌ی شیخ آذری (وفات ۸۶۶) که هیچ کس

از شуرا تتبع آن نتوانستند کرد، رجحان تمام دارد.» (همان)

۷- یان ریپکا: اگرچه شعر او بیانگر تعصّب شیعی است، اما شاعر آن شیعی متعصّب نیست. محتمم که بازگانی ابریشم پیشه است در شاعری بارها کامیاب تر بوده است. و در بازی های لفظی شعر عصر صفویه محتمم پیشرو است. (ریپکا،

(۱۳۷۰: ۴۳۱)

### زیباشناسی ترکیب بند محتمم

در اینجا به جلوه های زیبایی شناسی و استفاده از آرایه های لفظی و معنوی موجود در این ترکیب بند به تلخیص می پردازیم. که به ترتیب اولویت و فراوانی استفاده از آن به تلمیح، تشبيه، استعاره، واج آرایی، تشخیص، اغراق، کنایه، ارسال المثل، و... اشاره شده است. (قریشی زاده، ۱۳۷۱: ۱۰-۱۲)

### براعت استهلال

باز این چه شورش است که در خلق عالم است      باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است  
باز این چه رستاخیز عظیم است کرزمین      بی نفح صور خاسته تاعرش اعظم است

آیه‌ی شریفه‌ی: يُومٌ يُنَفَّخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجًا (سوره‌ی نبأ: ۱۸)

آیه‌ی شریفه‌ی: نفَخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (سوره‌ی ق: ۲۰)

کشتی شکست خورده زطوفان کربلا      در خاک و خون فتاده به میدان کربلا

حدیث شریف نبوی: ان الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة.

از آب هم مضایقه کردند کوفیان      خوش داشتند حرمت مهمان کربلا  
اشارة به بی و فایی مردم کوفه با امام (ع) و ضرب المثل (الکوفی لایوفی)

(دهخدا، ۱۳۷۰: ۲۶۹)

بودند دیو و دد همه سیراب و می مکید خاتم زقط آب سلیمان کربلا  
اشاره به ربودن انگشتی حضرت سلیمان (ع) به دست دیو (سلیمان استعاره از  
امام حسین (ع)) است.

بر خوان غم چون عالمیان را صلا زدند اول صلا به سلسله‌ی انبیا زدند  
تلمیح به: البلاء للولاء

هرکه در این بزم مقرّب تر است جام بلا بیشترش می‌دهند  
نوبت به اولیا چو رسید آسمان تپید زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند  
اشاره به ضربت خوردن مولاعلی (ع) در شب نوزدهم رمضان  
بس آتشی ز اخگر الماس ریزه‌ها افروختند و بر حسن مجتبی زدند  
تلمیح به: زهر خورانیدن و به شهادت رساندن امام حسن مجتبی (ع)

یکباره جامه در خم گردون به نیل زد چون این خبر به عیسی گردون نشین رسید  
اشاره به باور مسلمانان به وجود مبارک حضرت عیسی مسیح در آسمان چهارم  
از صاحب عزا چه توقع کنند باز آن ناکسان که تیغ به صید حرم زند  
اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی: یا ایهالذین آمنوا لاقتلو الصید و انتم حُرم (سوره‌ی  
مائده: ۹۵) و اشاره به حج ناتمام امام حسین (ع) و روی آوردن به کربلا

پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل شوید غبار گیسویش از آب سلسیل  
اشاره به بر نیزه کردن سر مبارک امام حسین (ع)

عرش آن زمان به لرزه درآمد که چرخ نیز افتاد در گمان که قیامت شد آشکار  
اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی «اذا زُلزلت الارض زلزالها» (سوره‌ی زلزله: ۱)  
پس با زبان پرگله آن بضرعه بتول روبر مدینه کرد که یا ایهالرسول  
ضرعه بتول: حضرت زینب (س)

اشاره به پیام مهین بنی هاشم دارد که «یا مُحَمَّدًا صَلَّی علیک ملائکه اسماء

۲۹۸ هذا حسین مُرَمَّل بالدَّماءِ مقطَّعُ الاعضاء... يا محمداه هدا حسین بالعراءِ تشافی عليه قتيل اولاد ابنياعيا (برنجيان جلال، حمسه‌ی عاشورا به بیان حضرت مهدی (عج) ص ۱۲)

يا بضعة الرسول زابن زياد داد  
تلمیح به حدیث شریف نبوی (ص): «فاطمه بضعة مهین من سرها فقد سرني و  
من ساعها فقد ساعتني» (مجلسی ۱۴۰۳: ۴۳/۳۹۰)  
خلقی که سوده لعل لب خود نبی بر آن  
تلمیح به: بوسیدن گلوی مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) توسط پیامبر (ص)

### نتیجه گیری:

به طور اجمال می توان گفت:

محتشم کاشانی با توجه به زبان ساده و دور از هرگونه پیچیدگی، به زبان مردم سخن گفته و دلیل ماندگاری اشعارش به ویژه ترکیب بند او در رثای امام حسین (ع) نیز همین بوده است.

با غور در اشعار محتشم و وجود تلمیحات و اشارات درباره‌ی واقعه‌ی عاشورا و کربلا و همچنین صور خیال موجود در اشعارش می توان او را شاعری توانا و مطلع یافت و تأثیر تشویق حاکمان شیعی عصر صفوی در رشد سروده‌ها در مدح و رثای ائمه‌ی اطهار را به وضوح مشاهده کرد.

قابل ذکر است محتشم الگوی بسیاری از شاعران بعد از خود شده است او نیز از خاقانی و راوندی تأثیر پذیرفته است.

## کتاب‌نامه

- ۱- قرآن کریم (۱۳۷۸)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، زبان نویسی، تهران.
- ۲- آقا تهرانی، مرتضی، (۱۳۸۷)، "یاران شیدای حسین بن علی (ع)", قم؛ نشر باقیات.
- ۳- ابن کربلایی، ۱۳۴۹ "روضات الجنات و جنات الجنان"، به تصحیح جعفر سلطان القرایی نشر، کتاب، ج ۲.
- ۴- انسانی، علی (۱۳۸۲)، "چراغ صاعقه"، نشر جمهوری، تهران، چاپ سوم.
- ۵- برقعی، محمدباقر (۱۳۷۳)، "سخنوران نامی معاصر ایران"، قم، نشر خرم.
- ۶- برنجیان، جلال، (۱۳۶۷)، "حماسه‌ی عاشورا به بیان حضرت مهدی (عج)"، انتشارات طور.
- ۷- تهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۳ قمری)، "الذریعه الى تصانیف الشیعه"، بیروت، دارالاضواء، ج ۲۲، چاپ سوم.
- ۸- حرّ عاملی، شیخ محمدمبن الحسن، (۳۹۷ قمری)، "وسائل الشیعه"، مکتبه السلامیه، تهران.
- ۹- حسینی، سیدعبدالله، (۱۳۸۶)، "معرفی و نقد منابع عاشورا"، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۰- خاقانی، افضل الدین بدیل بن علی، (۱۳۵۸)، "دیوان اشعار خاقانی" به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی، زوار، تهران، چاپ سوم.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۰)، "امثال و حکم"، امیرکبیر، تهران، ج ۱، چاپ هفتم.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، "لغت نامه"، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
- ۱۳- راوندی، محمد، (۱۳۶۴)، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۱۴- رکن، محمود، (۱۳۷۱)، "مقاله‌ی محتشم و فن رثاء"، مجله‌ی ادبستان، تهران، شماره‌ی ۳۲، صص ۲۶-۲۴.

- ۱۵- ریپکا، یان (۱۳۷۰)، "تاریخ ادبیات ایران"، به همراهی اتاکار کلیما و ایرژی بچکا، ترجمه‌ی کیخسرو کشاورز، گوتنبرگ و جاویدان خرد، تهران.

۱۶- سادات ناصری، سیدحسن، (۱۳۵۳) "مقاله‌ی زندگی نامه‌ی خداوند مرثیه سرایان محتشم کاشانی"، تهران، سال ۲۰، شماره‌ی ۴ و ۳، صص ۸۷-۲۳.

۱۷- سیدبن طاووس (ره)، (۱۳۸۹) "لهوف به همراه قیام مختار ثقیی"، پیام عدالت، تهران، چاپ سوم.

۱۸- شیخ صدقی، (۱۳۹۵ هـ-ق) "کمال الدین و تمام النعمه تصحیح و حواشی علی اکبر دهقانی" دارالکتب اسلامیه، تهران.

۱۹- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹)، "تاریخ ادبیات در ایران"، ققنوس، تهران، ج ۱، چاپ هفتم.

۲۰- طبری، محمدجریر (۱۳۶۲)، "تاریخ طبری"، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده (دوره‌ی ۱۵ جلدی)، اساطیر، تهران، چاپ دوم.

۲۱- عقیقی بخشایشی (۱۳۷۸)، "اللهوف"، نشر اسلام، قم، چاپ پنجم.

۲۲- عندلیب، حاج شیخ حسین، (۱۳۷۶)، "ثارالله"، انتشارات در راه حق، قم، چاپ اول.

۲۳- فرحی، سیدعلی (۱۳۷۵)، "بررسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی"، تهران، چاپ اول.

۲۴- قریشی زاده، عبدالرضا (۱۳۷۱)، "جلوه‌های زیبایی شناسی در ترکیب بند محتشم کاشانی"، مجله‌ی ادبستان، ش ۳۱، صص ۱۰-۱۲.

۲۵- کافی، غلامرضا (۱۳۸۶)، "نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز"، مجتمع فرهنگی عاشورا، تهران.

۲۶- مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۶)، "پژوهشی در مقتل های فارسی"، زمزم هدایت، قم.

۲۷- مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹)، "شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی"، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، قم، چاپ اول.

- ۲۸- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳ هـق)، "بحار الانوار"، موسسه‌ی الوفا و دارالاحیاء التراث العربي، بیروت، ج ۴۳.
- ۲۹- محدث قمی (۱۳۶۳)، "هدیة الاحباب"، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۳۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، "حماسه‌ی حسینی (دوره‌ی سه جلدی)"، نشر صدرا، قم، چاپ سی ام.
- ۳۱- نیر تهرانی، حسن (۱۳۷۳)، "مقاله‌ی محتشمیه" مجله‌ی ادبستان، شماره‌ی ۵۴، ص ۲۴.
- ۳۲- نوایی عبدالحسین و صدری مهدی (۱۳۸۰)، "مقدمه تصحیح دیوان محتشم کاشانی"، میراث مکتوب، تهران، چاپ اول



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتوال جامع علوم انسانی